

مدیر مسئول: مرضیه انبری  
سر دبیر: فاطمه فاضلی نیک  
هیئت تحریریه: نسترن ارزانیان، سیده زینب موسوی، فاطمه فاضلی نیک، زینب رستگار پناه، فاطمه نمکی، زهرا کریمی، سپیده اطلابی و مرضیه انبری  
طراح و صفحه آرا: مرضیه انبری  
ویراستار: فاطمه پیران، مسعود اسماعیلی، پریسا تیموری  
استاد مشاور: دکتر الهام شریعتی  
با تشکر از دکتر خدیجه مظفری، دکتر محسن بدره و سرکار خانم وزیری که ما را در انتشار این شماره از نشریه همراهی کردند.



## کودک همسری خوراک جدید اصحاب رسانه برای مناقشه و نقطه ی جدال جدید بین احزاب سیاسی است، جدالی که ریشه های فکری دو جناح را به تلاقی می کشد...

### سر آغاز ...

فاطمه فاضلی نیک

”بسم الله“

گفتی که شاهکار شما در زمانه چیست؟  
بالله که زنده بودن ما شاهکار ماست  
(فخرالدین مزارعی)

حکایت امروز ما در قرن ۲۱ میلادی! در جامعه ای که رجالیون آن تنها راه حل مسائل را قانونگذاری می دانند و معضلات اجتماعی را که جنس اجتماعی دارند با قانون می شویند، این بیت نغز فخر الدین بیراه نخواهد بود و همه ی این ها یعنی قتل قانون!

ازدواج مسئله ای است از جنس اجتماعی و فرهنگی، وقتی در راه تحقق آن مشکلی و خلایی ظهور و بروز می یابد، راه حلی اجتماعی می طلبد و نه از طریق قهر و غلبه!

البته که نمی توان پدیده نه چندان نو ظهور ”کودک همسری“ را کتمان کرد ولی از آنجایی که هر پدیده ای معلول علت هایی است، تنها با شناخت علت هاست که میتوان برنامه تدوین کرد، قانون تصویب کرد، آن را به اجرا گذاشت و النهایه پول بیت المال خرج کرد! از آن گذشته تعارض بین شرع و قانون را چگونه می توان حل کرد؟

شرعی که به یک دختر بالغ اجازه نکاح می دهد و قانونی که او را از چنین حق مکنتسبه ای محروم می کند و نکاح او را ممنوع و کان لم یکن می داند!  
ایها الرجال! قانونگذار، ازدواج زنان نمی

داند، ممنوعیت نمی شناسد که زبان قهر و غلبه مخاطب خود دارد و نه فرد بالغی ک خود قدرت تفکر و تعقل دارد! مساله را باید حل کرد، که پاک کردن صورت مساله، ره به ترکستان است.

کودک همسری را باید با زبان اجتماعی، با زبان فرهنگ حل کرد که حل این پدیده به واسطه تیغ تیز برنده ی قانون، نادیده گرفتن عنصر فرهنگ است.

جامعه ی متمدن به مروج فرهنگی نیاز دارد تا به مامور قانون.

و کلام آخر آنکه، حتی اگر تنها راه حل مساله قانون باشد، قانون باید با انتظارات تمامی افراد جامعه منطبق باشد، تمام ایران تهران نیست ...!

خط آخر را مزین می کنم ب کلام شیرین شهید صدر:

که تغییر شرایط خارجی کافی نیست، جان های ما نیاز به تغییر دارد ...!

شماره چهارم از نشریه حوا تقدیم نگاه تیزبینتان، امید است مورد توجه عروس ۹ ساله ی حضرت علی که در ۱۸ سالگی با چهار فرزند جهاد می کردند! قرار بگیرد. یا حق



۵ ..... مصاحبه :

طبیعت و شریعت بهترین منابع الهام بخش قانون هستند.  
زمان مطالعه : ۵ دقیقه



۶ ..... مصاحبه :

قوانین انقلاب آور نیستند  
زمان مطالعه : ۷ دقیقه



۴ ..... معرفی پایان نامه :

بررسی ادله ی فقهی \_ حقوقی  
تحدید سن ازدواج  
زمان مطالعه : ۱ دقیقه



۲ ..... مقاله :

بررسی فقهی اذن پدر  
در ازدواج دختر باکره  
زمان مطالعه : ۳ دقیقه



۳ ..... یادداشت :

قانون روی پاشنه در  
زمان مطالعه : ۴ دقیقه

@havvamag

@anjomanalzahra

@anjoma\_eslami\_alzahra

۰۹۳۹۶۲۹۱۳۸

۰۲۱۸۸۰۴۸۰۲۶



## مقاله:

## بررسی فقهی اذن پدر در ازدواج دوشیزه

نسترن ارزانیان

نظرش در مورد نکاح نیز نافذ است و اگرخواست، بدون اذن ولی می‌تواند ازدواج کند. اما اگر این چنین نبود، ازدواج او جایز نیست مگر با اذن ولی. با عنایت به مطالب بیان شده، قانون مدنی عقدنکاح دختر باکره را موقوف به اذن ولی دانسته، لذا اذن ولی تنها شرط نفوذ عقدنکاح است و شرط صحت آن نمی‌باشد. شایان توجه است که در ماده‌ی ۱۰۴۳ مدنی نکاح دختر باکره بالغه موقوف به اجازه ولی وی است. ولیکن اگر دختری بدون اذن ولی اقدام به نکاح نماید عقد نکاح باطل نخواهد بود و با رضایت ولی نکاح از حالت غیر نافذ خارج می‌شود. بنابراین اقوال متعددی در رابطه با ولایت پدر و اذن ولی بر نکاح دختر باکره بالغه رشیده وجود دارد که به نظر می‌رسد که مطابق ماده ۱۰۴۳ قانون مدنی و فقه امامیه ولایت ولی برقرار است. منتها از نظریه تشریح حضرت امام پیروی شده است. منظور این است که اذن ولی در نکاح دختر باکره بالغه رشیده به جهت برخورداری از حمایت برقرار است. منتها در شرایطی همچون عدم رعایت مصلحت دختر اذن ولی ساقط است. افزون بر این عرف برای نکاح دختر چه به سن بلوغ رسیده و چه نرسیده باشد ولایت تامی قائل است و اما در فقه بعد از بلوغ برای پدر ولایت تامی قائل نمی‌باشد.

منابع و مأخذ:

۱. ایزدی فرد، علی اکبر و سمیه کلیجی و حسین کاویار، ۱۳۹۰، ولایت در نکاح باکره رشیده، فصلنامه فقه و مبنای حقوق اسلامی، سال چهل و چهارم، ش ۱.
۲. جوادی آملی، عبدالله و محمدکاظم تقوی، ۱۳۹۶، اذن پدر در ازدواج دخترباکره، دو فصلنامه مطالعات فقه معاصر، سال دوم.
۳. حاجیعلی، فریبا و فاطمه قدرتی، ۱۳۸۷، مبانی فقهی و بحث حقوقی اذن ولی در نکاح دختر بالغه رشیده، فصلنامه پژوهش زنان دانشگاه الزهراء، دوره ۶، ش ۴.
۴. حق پرست، شعبان و صمدیوسفزاده، ۱۳۹۴، تحول مفهوم رضایت ولی نسبت به دختر باکره بالغه بعد از ازدواج و آثار آن، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال چهارم، ش ۱۲.
۵. صدری، سید محمد و حمیدذاکری، ۱۳۹۳، نگرشی نو بر اذن ولی قهری در نکاح باکره رشیده از منظر فقه و حقوق موضوعه، نشریه فقه و حقوق اسلامی، سال چهارم، ش ۸.
۶. علیدوست، ابوالقاسم، ۱۳۸۹، نقش پدیده شناسی ازدواج در اذن ولی به نکاح دوشیزه رشیده، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، سال دوازدهم، ش ۴۸.

جدیدری هیچگونه ولایتی بر وی نخواهند داشت. و به سخن دیگر ولایت ایشان ساقط خواهد بود. مستندات این قول بر مبنای قاعده‌ی اوفو بالعقود و اصل در نکاح بالغه رشیده بر عدم اشتراط اذن ولی است. چراکه دختر به حد بلوغ رسیده و بلوغ و رشد ملاک جواز تصرف در نکاح است. این نظر به مشهور فقیهان متقدم و متأخر اعم از شهیدثانی، سیدمرتضی، ابن جنید، شیخ مفید و ابن ادریس نسبت داده شده است.

قول سوم: بر اساس این قول که به قول تشریح مشهور است، ولایت برای ولی است ولیکن باید با رضایت دختر باشد. به سخن دیگر هیچ یک از ولی و دختر نمی‌توانند بدون رضای یکدیگر اقدام به امر نکاح بنمایند. این قول غیر مشهور است و فقهایی چون ابوصالح حلبی، شیخ حرعاملی، محقق خوبی و حضرت امام خمینی (ره) در تحریرالوسیله بر این نظر بوده‌اند. این طیف از فقها در امر ازدواج ولایت مطلقه برای شخص ولی در نظر نگرفته‌اند. مستند این قول روایتی از امام موسی کاظم (ع) بوده که آمده است، حضرت با شخصی در ارتباط با ازدواج دخترش با برادرزاده‌ی خویش مشورت نمود و امام فرمودند که انجام ده، ولیکن این امر می‌بایست با رضایت خود دختر باشد زیرا که او در نفس خویش سهمی دارد.

قول چهارم: گروهی از فقها بر این باور بودند که دخترباکره در نکاح منقطع استقلال داشته و در نکاح دائم ولایت ولی برقرار است. شیخ طوسی در برخی متون خویش این نظر را مطرح نموده است.

قول پنجم: این قول تقریباً طرفداری ندارد. بر بنیان این قول ولایت ولی در نکاح دائم ساقط ولی در منقطع پا برجاست. سید محمد کاظم یزدی در عروه الوثقی این نظر را به عنوان یک احتمال بیان نموده است.

۱ و قول معتبر دیگر حدیث امام باقر (ع) مبنی بر اختیار کامل دختر در صورت دارا بودن شرایط است که در وسائل الشیعه، اثر شیخ حرعاملی، این روایت بیان شده است:

«هرگاه زن، صاحب اختیار خود باشد به گونه‌ای که بتواند خرید و فروش کند و بنده آزاد کند و شهادت دهد و از مال خود به هر کس می‌خواهد ببخشد،

از دیرباز لزوم یا عدم لزوم اذن ولی در نکاح دختر باکره‌ی بالغه رشیده از ابواب فقه امامیه، مورد بحث قرار گرفته است. ولیکن در ارتباط با نکاح صغیره اجماع وجود دارد. به نظر می‌رسد که نظام تقنینی کشور جمهوری اسلامی ایران با عنایت به اختلاف نظرات و تشتت دیدگاه، دیدگاه تشریح و برقرار بودن اذن ولی را برگزیده است. این نظر در ماده‌ی ۱۰۴۳ قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران اصلاحی ۱۳۷۰ قابل رویت است. این ماده بیان می‌دارد که: نکاح دختر باکره اگرچه به سن بلوغ رسیده باشد موقوف به اجازه‌ی پدر یا جدیدری او است و هرگاه پدر یا جدیدری بدون علت موجه از دادن اجازه مضایقه کند اجازه‌ی او ساقط و در این صورت دختر می‌تواند با معرفی کامل مردی که می‌خواهد با او ازدواج نماید و شرایط نکاح و مهری که بین آن‌ها قرار داده شده پس از اخذ اجازه از دادگاه مدنی خاص به دفتر ازدواج مراجعه و نسبت به ثبت ازدواج اقدام نماید. در خصوص نکاح دخترباکره رشیده و اذن ولی اقوال متعددی به چشم می‌خورد که در این پژوهش برآنیم تا بطوراجمالی هریک از این اقوال را مورد بررسی و بحث قرار دهیم.

قول اول: پیداست که بر بنیان این دیدگاه پدر و جدیدری بر دخترباکره بالغه رشیده ولایت داشته و نکاح بدون اذن و رضای ولی اعتباری ندارد. مستندات این گروه روایتی از وسایل الشیعه ص ۲۰۲ است که از امام صادق (ع) آمده است که در مورد دختری که پدرش او را بدون اجازه شوهر می‌دهد فرمودند: برای دختر با وجود پدر اختیاری نیست، زیرا پدر به حال وی داناتر است. مستند دیگر طرفداران این دیدگاه اصل استصحاب است که ولایت بر دختر پیش از دوران بلوغ ثابت شده است. لذا هنگام شک لاحق همان ولایت در این دوران نیز جاری خواهد بود. البته اصل استصحاب ایراد شده است و آخوند خراسانی معتقدند که شرط استصحاب بقای عرفی موضوع است، در صورتی که پس از، از بین رفتن صغر و حاصل شدن بلوغ و رشد بطور حتم موضوع دگرگون شده است. شیخ صدوق از پیشگامان این قول بوده است. قول دوم: بنابر این قول نکاح منحصر در اختیار و تحت اراده‌ی مطلق دختر است و ولی اعم از پدر و



## یادداشت:

## قانون روی پاشنه در!

مرضیه انبری

بررسی نتایج احتمالی لایحه ی اصلاح ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی



در سن کم رخ دهد؟ اگر مراد از وضع قانون جلوگیری از این پدیده است آیا وضع این قانون پاک کردن صورت مسئله نیست؟ ازدواج اجباری تبعات جبران ناپذیری بر نهاد خانواده دارد و نیاز به مقابله دارد، اما اگر فرض کنیم ازدواج در سن کم لزوماً در مناطق فلاکت زده و به صورت اجباری است و برای پیشگیری قانون وضع کنیم به طبع آن باید برای ساکنان شمال تهران هم که میزان طلاق در آن ها به یک دوم رسیده است محدودیت های بسیاری برای ازدواج وضع کنیم!

تمام این پیش فرض ها هیچ حقی برای تدوین قانون کلی به افراد نمی دهد. به راستی چشم انداز ما از رابطه ی دختر و پسر به چه نحو است قطعاً کسی نمی تواند منکر تمایل طرفین باشد به هر جهت در برهه ای از زمان طبیعت نیاز های جدید را برای فرد به وجود می آورد و شریعت نیز با توجه به این نیاز ها با قرار دادن شرایط سهل برای ازدواج روی این نیاز طبیعی صحنه می گذارد. اگر رابطه ی دختر و پسر این چنین فاجعه می نماید قائلان به این وضع وخیم در قانون گذاری مختار هستند، اما هیچ کس رابطه ی دو جنس را نمی تواند عمل خلافی تلقی کند. چگونه ممکن است ما ازدواج را برای کسانی که شرایط و اراده ی ازدواج دارند ممنوع کنیم ولی همواره انتظار پاکدامنی را از آن ها داشته باشیم. آیا ممنوع کنندگان ازدواج در سنین پایین نهادی غیر از خانواده برای ارضای این نیاز ارائه می دهند؟

ما تجربیات موفق در زمینه ی وضع قوانین درست برای مسائل مربوط به حوزه ی خانواده داشته ایم برای مثال قوانین مربوط به فرزند خواندگی که با قرار دادن مددکاران اجتماعی در کنار حقوقدانان شرایط مناسبی برای این مسئله فراهم شده است. حال بجای افزایش بی دلیل طول دوران کودکی بهتر است قانون فعلی با نظارت بیشتری انجام شود یعنی رای دادگاه صالح برای اجازه ی ازدواج همراه با سنجش دقیق تری از فرد کم سن و سال همراه باشد. که حتی می توان برای این امر آزمون های روانشناسی استاندارد

از آن عبور کرده اند. این مسئله را در نقاط مختلف با تفاوت های فرهنگی به خوبی می توان مشاهده کرد. مثلاً اگر پسران نوجوانان پایتخت نشین با نوجوانان مناطق محروم مقایسه شوند و عقل معاش آنان سنجیده شود. پس دو صورت قابل تصور است یا تاثیر گذار در بین مردم است و دوره ی کودکی را بی جهت طولانی تر می کند در حالی که سن بلوغ جنسی و عقلی هم اکنون با گذشته بسیار متفاوت است و به مدد مسائلی چون آموزش و رسانه های رسمی و غیر رسمی افراد زودتر مراحل گذر را طی می کنند یا این که تاثیری در بین مردم ندارد و احتمالاً با مسئله ی ازدواج های ثبت نشده مواجه خواهیم شد. به قولی نمی توان برای اتاق خواب مردم قانون وضع کرد! قطعاً وظیفه ی مسئولین حل معضلات مردم روی پاشنه ی در خانه است نه کشیدن ساده ترین مسائل به دادگاه برای کسب تکلیف، شایان ذکر است که همانگونه که درک افراد با گذشته متفاوت است و افراد زود تر بالغ می شوند میزان ازدواج در سنین پایین نیز با گذشته متفاوت است. ازدواج در سن کمتر از ۱۸ سال دو دهم از کل ازدواج های کشور است که میزان طلاق در این سن نیز نسبت به ازدواج در سنین بالاتر نیز کمتر است. پس مسئله ای دسته چندم می نماید. افزایش سن قانونی برای ازدواج اشتباه سال ها قبل برای افزایش سن قانونی مسئولیت مدنی را یادآور می شود. زمانی که مشخص نبود بر چه اساسی در سال ۸۵ سن مشارکت سیاسی به ۱۸ سال رسید.

از این مسئله بگذریم به خود پدیده ی کودک همسری توجه کنیم متوجه یک نکته خواهیم شد. این که طراحان لایحه ی مذکور با پیش فرض های منفی به استقبال تجزیه و تحلیل مسئله رفته اند و آن پیش فرض منفی ازدواج اجباری در این سن بوده، که در دو حالت ازدواج های در سن کم را اجباری تلقی و یا ازدواج اجباری را محدود به این سنین کرده است. حال سؤال این است که این چنین ازدواجی که اراده ی فرد در آن دخیل نباشد آیا فقط ممکن است در

کودک همسری خوراک جدید اصحاب رسانه برای مناقشه و نقطه ی جدال جدید بین احزاب سیاسی است، جدالی که ریشه های فکری دو جناح را به تلاقی می کشد. طرحی که پاییز ۹۷ در فراکسیون زنان مجلس به صورت جدی مطرح شد اما فرصت آمدن به صحن علنی مجلس را نیافت.

فاطمه ذوالقدر نماینده مجلس درباره ی این طرح چنین اظهار داشته بود که به خاطر معضلات اجتماعی ناشی از کودک همسری و در جهت حمایت از حقوق کودکان بنا می باشد سن قانونی ازدواج برای دختران از ۱۳ به ۱۶ سال و برای پسران به از ۱۵ به ۱۸ سال برسد. و ازدواج در سنی کمتر از ۱۳ سال ممنوع و بین ۱۳ تا ۱۵ فقط با شرایط خاص با اجازه ی ولی و اجازه ی دادگاه صالح امکان پذیر باشد. موضوعی که موافقت ها و مخالفت های زیادی را در پی داشت.

این طرح در نگاه اول مبتنی بر باور طراحان و تعریف آنان از کودکی است. تعریفی که دامنه ی کودکی را تا ۱۶ سال برای دختران و ۱۸ سال برای پسران ارائه می دهد و ظاهراً دوره ی میانه ای متصور نشده است. از طرفی دامنه ی ورود به دوران بلوغ عقلی را با تعیین سن مشخص می کند. اگر فرض را بر قانونی شدن این لایحه قرار دهیم طی سالیان متمادی احتمالاً شاهد طولانی تر شدن کودکی خواهیم بود در واقع دیرکرد ورود فرد به مرحله ی قبول مسئولیت مدنی. یعنی اگر اکنون ۱۸ سال برای پسران ورود به دوران جوانی است در آتیه احتمالاً صرفاً پایان کودکی بی مسئولیت تلقی شود. اما ارائه ی این تعریف بر چه اساس است؟ بر اساس رشد جنسی یا رشد عقلی، مثلاً اگر ما تعاریف روانشناسی را ملاک قرار دهیم آیا می توان سنی را متصور شد که همه افراد وارد دوران کمال عقلی شوند؟ طبق نظریه پیازه رشد افراد در جنبه های مختلف شناختی، اجتماعی و... محدود به سن خاصی نیست و برخی افراد با عدم عبور به موقع از مراحل هشتگانه ممکن است تا مدت ها در گیر مرحله ی باشند که سایر افراد با سلامت روانی مدت ها



## ادامه یادداشت :

نیز طراحی کرد. همه ی این مسائل به این جهت است که اقلیم های متفاوت کشور ما سبک زندگی های متفاوتی بر گزیده اند که گویا از نظر نمایندگان مجلس به دور مانده و قانون توان نفوذ یکسان در بین آحاد مردم را ندارد و تلاش برای وضع قانون یکسان برای انسان های متفاوت ممکن است زمینه ساز تولید جرم باشد یعنی ازدواج های ثبت نشده و یا محرومیت طرفین این ازدواج از مطالبه ی قانونی حقوق خود (از جمله: نفقه، مهریه و...).

به نظر می رسد وضع چنین قوانین نهایتا چتر حمایتی دولت را کم می کند و دولت به صورت متناقضی خواهان انجام وظیفه به سبک حکومت های لیبرالی است در حالی که بجای گزیدن راه دشوار حمایت مادی و معنوی از خانواده هایی که فرزندان آن ها در سن نامناسبی ازدواج می کنند به راه حل ساده و کم هزینه ی وضع قانون برای مسائل خصوصی مردم و ایجاد ممنوعیت متوصل شده اند.

زمان مورد نیاز مطالعه گفت و شنود : ۳۰ ثانیه

## گفت و شنود :

■ گرد آوری : سپیده اطلابی

می گویند ازدواج زیر ۱۸ سال کودک آزاری است و تجاوز به دختران محسوب می شود

می گویند از مصادیق نقض حقوق انسانی است و مغزهای متعجر حاکم بر جامعه ما آن را ایجاد کرده اند

ما در این ادعا فقط چند سوال از آن ها می پرسیم  
۱\_ چرا در میان این همه مسائل مهم جوانان فقط مسئله ازدواج و ارتباط مشروع آن هم برای شما اهمیت پیدا کرده است

۲\_ در حالیکه این سالها به دلایل بسیار سن بلوغ خیلی پایین آمده چرا باید سن ازدواج بالا برود مگر نباید بین بلوغ جنسی و ازدواج کمترین فاصله وجود داشته باشد؟

۳\_ آیا رسانه های غربی که نگران دختران ایرانی هستند نمی دانند و نمی بینند امروزه در غرب دختران بدون آنکه ازدواج کنند باردار می شوند و سن ازدواج به زیر ۱۴ سال رسیده است

۴\_ در برخی از کشورهای غربی که ازدواج دختران زیر ۱۸ سال ممنوع شده چرا ازدواج با حیوانات و حق رابطه جنسی با آنها، ازدواج

همجنس بازان، ساخت انواع ابزارهای جنسی جایگزین، تولید ربات های مخصوص و... که همه آسیب رسان به کبان خانواده بویژه زنان و دختران است، مجاز شده و کسی نگران قربانی شدن دختران آن جامعه نیست!

۵\_ چرا برخی از نمایندگان محترم که در اثر فشارها و جنگ روانی برای تصویب طرح افزایش حداقل سن ازدواج عجله دارند، برای قانون تسهیل ازدواج جوانان که سالهاست از آن غفلت شده هیچ کاری نمی کنند

۶\_ طبق مبنای فکری برخی که معتقدند در موضوعی مثل حجاب و پوشش خود مردم باید تصمیم بگیرند چرا در سن ازدواج این رسانه ها جریان ها و دولت ها برای افراد تصمیم می گیرند

۷\_ در حالیکه پایان کودکی و رشد هر فرد بنا بر ژنتیک و اقلیم و فرهنگ و... با هر فرد دیگری متفاوت است چرا باید ما تابع یک نظر ثابت و قانون برخی کشورهای اروپایی باشیم؟ آیا شرایط جسمی و فکری یک دختر ۱۶ ساله خوزستانی با یک دختر هم سن او در منطقه سردسیری دانمارک یکسان است!

۸\_ در برابر نتایج بررسی های علمی که می گوید کمترین میزان طلاق و بیشترین رضایت از زندگی مربوط به ازدواج هایی است که در آن دختران ۱۵ تا ۱۹ سال و پسران ۲۱ تا ۲۴ سال داشته اند چه جوابی دارند  
۹\_ آیا می توان با مشاهده چند مورد ازدواج اجباری دیگر جوانان این سرزمین را از اختیار ازدواج در سنی که به آن نیاز دارند، محروم کرد

## پایان نامه :

## ادله ی فقهی و حقوقی تحدید سن ازدواج

■ سپیده زینب موسوی

نشده است. سن مشخص شده در ماده ی ۱۰۴۱ قانون مدنی سن قانونی ازدواج است. ازدواج کمتر از سنین تعیین شده در قانون با اذن ولی و رعایت مصلحت ممکن است. البته مطابق با ماده ی ۱۰۴۱ قانون مدنی تشخیص مصلحت بر عهده ی دادگاه صالح است. در انتها نیز پیشنهادهای جهت هرچه کاملتر شدن قوانین مربوطه داده شد. کلمات کلیدی: منابع حقوقی، سن نکاح، ولی، صغیر، ماده ۱۰۴۱ ق.م.

پ ن : دانشجویان محترم جهت مطالعه ی پایان نامه ی مذکور می توانید به کتابخانه ی مرکزی دانشگاه الزهرا(س) مراجعه نمایید .

صحبت از ادله ی فقهی به میان میآید منظور مذاقه در قرآن، سنت، اجماع و عقل به عنوان منابع معتبر فقه امامیه است. ادله ی حقوقی نیز به اظهار نظر حقوقدانان در این مورد مربوط میشود که در این پژوهش به تحدید سن نکاح با تأکید بر دو رویکرد فقهی و حقوقی پرداخته شده است. هدف از انجام پژوهش دستیابی به ادلهی فقهی- حقوقی تحدید سنن نکاح میباشد. به دلیل حساسیت ویژه ای که در مورد سن ازدواج وجود دارد ضرورت انجام تحقیق مشخص میشود. روش این پژوهش از نوع کیفی و شیوه ی گردآوری اطلاعات، کتابخانه ای و روش تجزیه و تحلیل از نوع تحلیل اسنادی و توصیفی است. با بررسی در ادله ی فقهی و حقوقی روشن شد که سن مشخصی برای نکاح وجود ندارد. یعنی در فقه و حقوق سنی به عنوان پایین ترین سن ممکن برای ازدواج مشخص

دانشگاه الزهرا (س)

دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی

پایان نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد

رشته مطالعات زنان گرایش حقوق زن در اسلام

استاد راهنما: دکتر الهام شریعتی نجف آبادی

استاد مشاور: دکتر خدیجه مظفری

دانشجو: سپیده زینب موسوی دشتکی

شهریور ۹۷

چکیده : مسائل نکاح از ابتدا مورد توجه ادیان و مذاهب و کشور های اسلامی و غیر اسلامی و جوامع داخلی و خارجی بوده و هست. موضوع بسیار بحث برانگیز در مورد ازدواج، سن آن است که مورد اختلاف میباشد. در این پژوهش به بررسی ادله ی فقهی- حقوقی تحدید سن نکاح پرداخته می شود. وقتی





مصاحبه :

## طبیعت و شریعت بهترین منابع الهام بخش قانون هستند

یا مواردی همچون احتلام که ممکن است ۹ سالگی رخ دهد یا ۱۲ سالگی. همچنین قابل ذکر است برخی از فقها قائل به بلوغ تفصیلی هستند. یعنی از نگاه آنان یک سن بلوغ برای همه ی شئون حقوقی و دینی وجود ندارد و سن بلوغ عبادی با بلوغ کیفری تفاوت دارد.

■ **تدوین لایحه ی کودک همسری و طرح این مسئله در مجلس ارتباطی با بحث الحاق به کنوانسیون های بین المللی دارد؟**

ما کنوانسیون بین المللی حقوق کودک را به این شرط پذیرفتیم که با حقوق ما مغایرت نداشته باشد و باید به این نکته توجه کرد.

در این قانون، محل دغدغه اصلی، سن ازدواج دختران و تعیین حداقل سن ازدواج برای ایشان است. هرچند که به سن ازدواج پسران هم اشاره شده است.

از جمله دغدغه های تدوین کنندگان این قانون این است که آمادگی جسمی یا آمادگی جسمی همراه با آمادگی عقلی وجود ندارد، و کسانی که به تصویب این قانون اهتمام دارند، ممکن است انگیزه های متفاوتی داشته باشند. از جمله برخی ها می گویند شخصیت

فرد هنوز شکل نگرفته و کسانی که در این سن ازدواج می کنند بعدا پشیمان می شوند. یعنی نمی توانند بهترین گزینه را انتخاب کنند. برخی می گویند ازدواج در این سن بیشتر در اقشار فقیر رخ می دهد

و از سر میل و رغبت و کنش گری فعالانه نیست و صرفا شوهر دادن یا حتی فروختن و واگذار کردن دختر است و این آسیب های دیگری در پی دارد.

برخی دیگر می گویند در این سن چون کودک نمی تواند انتخاب کند بعدا پشیمان می شود و باید بسوزد و بسازد. این ها انگیزه های این افراد است.

قطعا یک سری از این موارد مطابق با واقعیت می باشد و رسیدن به یک نتیجه قطعی در این مورد نیاز

دارد و به افرادی اطلاق می شود که سنی بین ۱۳ تا ۱۹ سال دارند. این اعداد **teen** دارند. این الان یک هویت سنی است و با کودکی تمایز دارد.

گاهی ما تعریف فقهی-حقوقی ارائه می دهیم. یعنی فرد به یک بلوغی رسیده است که مسئولیت های قانونی را به عهده بگیرد و مسئولیت کیفری داشته باشد. برای مثال اداره اموالش به دست خودش باشد.

تعریف بیولوژیک هم داریم که به لحاظ تاریخی و فرهنگی، رسیدن به قدرت باروری و تولید مثل بوده است که در پسرها دیرتر از دختران رخ می داده و بسته به شرایط فرهنگی بوده است.

در برخی ادیان به طور خاص، سن رسیدن به تکالیف حقوقی و قانونی نیز همین بوده است. یعنی بعد از این سن می توانستند ازدواج کنند و این قانون تنها مخصوص اسلام نیست و ما سن رسیدن به مناسک

را پس از بلوغ در دیگر ادیان هم داریم. بلوغ در قرآن بر اساس یک سری ملاک هاست که الان موضوع بحث ما نیست. ما یک تعریف روانشناختی هم داریم که در برخی اسناد بین المللی به نحوی جا افتاده است. در این اسناد کودکی تا ۱۸ سالگی تعریف شده

و شروع بزرگسالی از ۱۸ سالگی است و این با تعریف های فرهنگی و بیولوژیکی متفاوت است.

یک نوع تعریف در روانشناسی غربی هم وجود دارد که دوره ها را بر اساس نظریات امثال فروید و پیاژه تقسیم بندی می کنند. بر اساس کنوانسیون حقوق کودک که ما هم به طور مشروط عضو آن هستیم نیز به این مسئله اشاره شده است.

نظرات فقهی درباره بلوغ را به طور کلی می توان در دو دسته جای داد. یک سری مبتنی بر این هستند که از قرآن و روایت سن خاصی را برداشت کنند. کسانی مانند سید کمال حیدری می گویند ملاک، سن نیست و با ملاک قرار دادن قرآن باید دید ویژگی های بلوغ کی ظاهر می شوند. یعنی مثلا رشد بدنی و

دکتر محسن بدره دانش آموخته ی رشته ی فرهنگ و ارتباطات از دانشگاه امام صادق (ع) و دارای مدرک دکتری مطالعات زنان از دانشگاه تربیت مدرس و عضو هیئت علمی گروه مطالعات زنان دانشگاه الزهراء(س).

اهالی مطالعه و خصوصا مخاطبان دنیای رمان با ایشان آشنایی مختصری دارند. رمان های 'بهم میاد'، 'عشق زیر روسری' و 'مسجد پروانه' هر سه از آثار قابل توجه در حوزه ی ادبی مطالعات زنان هستند که توسط ایشان ترجمه شده اند، همچنین اثر بی نظیر پروفیسور جوزف نیکولوسی تحت عنوان ((فهم همجنس گرایی)) از جمله ترجمه های ایشان می باشد.

نظرات و تلاش ایشان جهت کار علمی در حوزه ی زنان موجب شد برای تکمیل هر چه بهتر پنجمین شماره از نشریه حوا به سراغ ایشان برویم و درباره ی لایحه ی افزایش سن ازدواج ( اصلاح ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی ) گفت و گو کنیم.

با سلام

■ **لطفا برای شروع بحث تعریف خود را از کودکی بیان بفرمایید.**

تعریف دوره های سنی بسته به فرهنگ ها تفاوت داشته است. در برخی اقلیم ها بلوغ زودتر و در برخی اقلیم ها دیرتر بوده است. در برخی فرهنگ ها نونهالان زودتر وارد زندگی اجتماعی می شدند، نقش می پذیرفتند و در برخی فرهنگ ها دیرتر مناسک گذر را طی می کردند.

ما در فرهنگ های گوناگون تعاریف مختلفی از گروه های سنی داریم. در برخی فرهنگ ها تفاوت داشتن این مسئله با زبان نیز در ارتباط است. برای نمونه در انگلیسی، دوره سنی تحت عنوان **teenager** وجود





به یک کار علمی دارد.

ولی یک بحث مانده این است که سن ازدواج معمولا تابع فرهنگ های بومی است تا قانون. اگر قانون بگذاریم سن ازدواج ۲۵ سال باشد به این معنی نیست که تا قبل از آن کسی ازدواج نمی کند. گاهی هم که قانون حداقل سن ازدواج را بالا برده مسئله ی ازدواج های ثبت نشده وجود دارد در حالی که شرعی هستند و در این موارد این بحث مطرح می شود که ما باید نظارت فرهنگی و اجتماعی داشته باشیم.

### ادله ای که برای افزایش سن قانونی ازدواج مطرح می شود به نظر شما موجه است؟

خب حال این دلایل چقدر توجیه کننده است. طبیعت به افراد زمینه ای می دهد که شخص زمانی که بالغ شد به فراخور استعداد تازه کسب شده دارای حقوقی می شود. چون مبنای حقوق طبیعت است و باید در برابر داده های تازه به نحوی ممارست کرد که به سایرین آسیب نزنند. وقتی این زمینه به افراد داده می شود برخی مطالبه ی این نیاز را دارند که اگر در مسیر صحیح و مشروع قرار نگیرد وارد ناهنجاری اجتماعی می شود. حال ارضای این نیاز را تا چه زمانی می توان به تاخیر انداخت؟ وقتی که ما از سویی به شهروندان می گوئیم تنها راه قانونی و شرعی ارضای نیاز جنسی ازدواج دگر جنس گرایانه است و سن بلوغ برای دختران به صورت متوسط ۱۳ و برای پسران ۱۴ سال است. اگر افرادی به فراخور این که در اقلیم های مختلف با شرایط فرهنگی و مادی مختلفی زندگی می کنند مثلا قابلیت جسمی و تمکن مالی را همراه با میل و انگیزه مستقل

شخصی و در عین رشد عقلانی و اجتماعی دارا باشند و بخواهند ازدواج کنند با چه حقی می توان مانع آن ها شد؟! این منع کردن خود نوعی محدودیت است. ما به فرد بگوئیم تو به هیچ وجه حق ارضای نیاز خود را جز از طریق ازدواج نداری و اگر ازدواج هم بکنی و آن ازدواج ثبت نشود مجرم شناخته می شوی.

ما در واقع آسیب ها را نمی بینیم. ازدواج اجباری برای دختران در سنین بالا هم وجود دارد ولی مینا این است که اگر نوجوانی توان و اراده ی ازدواج را داشت، با چه حقی مانع برای او قرار دهیم. با وجود چنین مسائلی ما چرا نباید به این سمت برویم که قدری با امر طبیعی قربت و نزدیکی بیشتری داشته باشیم.

ما نمی توانیم دستور دهیم همه در هنجارهای اخلاقی جامعه بگنجند در حالی که ساختارهای حقوقی و اقتصادی جامعه هیچ ربطی به نیازهای طبیعی افراد ندارند. مثلا اگر سن بلوغ پسر ۱۴ سال است و میانگین سن ازدواج مردان ۳۰ سال و برای دختران نیز تقریبا همین گونه باشد در فاصله تقریبا ۱۵ ساله ای که میان بلوغ و ازدواج واقع می شود، هم از او می خواهیم عقیف بماند.

رشد نیافتگی عقلانی را ما در زوج های ۶۰ ساله هم می بینیم. گاهاً رشد عقلانی یک ۱۵ ساله بیشتر از ۴۰ ساله است.

در فاصله ی بین بلوغ تا ازدواج ما از آسیب های روانی و بهداشتی مثلا: روابط جنسی مراقبت نشده را می بینیم.

در نگاه تدوین کنندگان این قانون فقط موارد منفی دیده شده اند.

### برای اینکه رویکرد میانه ای برای مقابله با این معضل اتخاذ شود چه باید کرد؟ آیا فقط تدوین قانون کفایت می کند؟

ما باید سن مناسب را در نظر بگیریم. درباره ی آسیب ها و علل باید نظارت شود یعنی قانون با حضور متخصصان و مشاوران درباره اجازه دادن یا ندادن در سن های مورد اختلاف تصمیم بگیرد. ما اگر به گذشته نگاه کنیم چه می بینیم؟ آیا ازدواج در سنین نوجوانی همیشه آسیب زا بوده است؟ نه؛ وجوه مثبتی هم داشته، ما باید از خودمان بپرسیم چقدر می توانیم برای ارضای غریزه ی جنسی اعمال قانون بکنیم. به نظر منعی برای قانون گذاشتن نیست قانون فعلی هم خیلی دور از نیاز جامعه نیست.

### اقبال عمومی به طرح قانون برای این چنین مسائلی چگونه پیش بینی می شود؟

من بررسی جامعه شناسی که انجام دادم، برای به چالش کشیدن پیش فرض ها بود و ازدواج در سنین کم همیشه در مناطق و جوامع فلاکت زده صورت نمی گیرد و همیشه اجباری و با اکراه نیست، و از طرفی به بعد زبانی و عرفی این مساله هم باید هم توجه کنید. در شخصیت دادن افراد ما به دختری که خوب و بد را می شناسد و رشد عقلانی کرده و ... کودک نمی گوئیم، می گوئیم خانم؛ یا به پسری که رشد کرده، تا حدودی مسئولیت پذیر شده، می گوئیم آقا. یعنی توجه به گفتار مردم در جامعه، عنوان کودک همسری را تا حدی زیر سوال می برد.

با تشکر از وقتی که در اختیار ما قرار دادید.



مصاحبه :

## قوانین ناتوان از ایجاد انقلاب و تحولات فوری هستند

است که مانع ازدواج های با اختلاف سنی بسیار بین دختران و مردان بزرگسال شویم. اگر دختر ۱۶ ساله با پسر ۲۰ ساله یا حتی در برخی نقاط دختر ۱۳ ساله با پسر ۱۸ ساله ازدواج کند کسی معترض نمی شود و ظاهرا هدف نهایی مطرح کنندگان لایحه ی کودک همسری ازدواج های زیر سن ۱۳ سال برای دختران و ۱۵ سال برای پسران است.

عرض سلام و خسته نباشید. برای شروع بحث لطفا تعریف خود از کودک همسری و ذهنیتی که از این مسئله دارید را مطرح کنید.

هر گاه یکی از طرفین عقد ازدواج، کودک باشد می توان از تعبیر کودک همسری استفاده نمود. اگر چه به نظر من منظور مطرح کنندگان طرح کودک همسری در مجلس شورای اسلامی با این برداشت متفاوت است. یک برداشت این است که مانع ازدواج کودکان با یکدیگر شویم اما ظاهرا مقصود ایشان این

جهت تکمیل مباحث حقوقی پنجمین شماره از نشریه حوا به سراغ دکتر خدیجه مظفری، مدیر پیشین گروه حقوق دانشگاه الزهراء(س) که پیشتر در بخش سخن مهمان نشریه حوا از نظرات ایشان بهره مند شدیم، رفتیم تا درباره ی تاثیر قوانین در ازدواج های مربوط به کودکان و نوجوانان گفت و گو کنیم.



## در حقوق آیا تعریفی برای کودک وجود دارد یا اینکه ما هم تابع کنواسیون جهانی حقوق کودک هستیم؟

فرد تا زمانی که بالغ نشود صغیر است و پاره ای از اعمال را نمی تواند انجام دهد البته صغیر ممیز و غیر ممیز متفاوت است. درباره خود بلوغ و سن بلوغ هم اختلاف نظر وجود دارد. بر اساس قوانین فعلی دختران در ۹ سالگی و پسران در ۱۵ سالگی بالغ فرض می شوند. بر اساس معیارهای دیگر افراد زیر ۱۸ سال به لحاظ حقوقی ممکن است شرایط خاصی داشته باشند مثلا به موجب قانون آیین دادرسی کیفری دادگاه ویژه اطفال و نوجوانان به جرائم اطفال و اشخاص زیر ۱۸ سال رسیدگی می کند کنواسیون حقوق کودک در سال ۱۳۷۲ مورد پذیرش و تصویب مجلس شورای اسلامی قرار گرفته است. در این کنواسیون افراد زیر ۱۸ سال کودک محسوب می شوند مگر اینکه به موجب قانون قابل اجرا برای کودک سن دیگری تعیین شده باشد که این موضوع در خصوص قوانین ایران صدق می کند.

## در قانون مدنی ما تعریف خاصی از بلوغ ارائه نشده است؟

ماده ی ۱۲۱۰ قانون مدنی سن بلوغ را تعیین نموده است. بر اساس تبصره یک این ماده سن بلوغ در پسر پانزده سال تمام و در دختر نه سال تمام قمری است.

## پس در واقع از نظر فقهی اجازه ی ازدواج هست ولی از نظر مدنی ۱۳ و ۱۵ سال سن قانونی ازدواج می باشند؟

برای روشن تر شدن بحث خوب است نگاهی به تاریخچه موضوع بیندازیم. قانون گذارانی که قانون مدنی را در سال ۱۳۰۷ نوشته اند از اصول و مبانی فقهی نیز مطلع بوده اند لذا با توجه به دگرگونی های جامعه بحث قابلیت سنی برای ازدواج را مطرح کردند تا مانع ازدواج در سنین بسیار پایین شوند.

در ابتدای تصویب قانون مدنی به ترتیب برای دختر و پسر سنین ۱۳ و ۱۵ به عنوان سن قابلیت صحتی برای ازدواج مطرح شد..

در سال ۱۳۵۳ که جنبش های حمایت از حقوق زنان بسیار فعال بودند و قانون حمایت از خانواده در حال تصویب بود، در ماده ۲۳ آن به یکباره سنین ۱۸ و ۲۰ سال برای ازدواج مدنظر قرار گرفت که نظم پیشین را به هم زد و هرگز به متن جامعه راه پیدا نکرد. در آن برهه مردم شناسنامه ی دختران را بزرگتر می گرفتند تا برای زود تر ازدواج کردن نیازمند کسب اجازه از دادگاه نشوند. بعد از انقلاب این قانون لغو شد و در ماده ۱۰۴۱ ازدواج قبل از بلوغ ممنوع شد مگر با اذن ولی و رعایت مصلحت مولی علیه. این قانون در سال ۱۳۷۹ به شکل امروزی درآمد. یعنی سنین ۱۳ و ۱۵ سال سن قانونی محسوب شد و در کمتر از آن سنین اجازه ی ولی، رعایت مصلحت و تشخیص دادگاه صالح ملاک قرار گرفتند. البته در سال ۱۳۷۹ قرار بود سنین ۱۵ و ۱۸ را تعیین کنند که مجمع

تشخیص مصلحت در نزاع بین مجلس و شورای نگهبان رای به ۱۳ و ۱۵ سال داد.

## سنین ۱۸ و ۲۰ سال از کشور خاصی اقتباس شده است؟ مثلا بلژیک یا فرانسه چون قانون مدنی ما بسیار متأثر از این دو کشور است.

نه از کشور خاصی اقتباس نشده است ولی در کشور های مختلفی این سنین مورد قبول هستند. ضمن آن که در خصوص سن بلوغ هم بین مسلمانان اتفاق نظر وجود ندارد و به نظر می رسد معیار اصلی تشخیص خود بلوغ باشد که یک امر جسمی و روحی قابل تشخیص است، نه رسیدن به سن مشخص.

## یکی از مسائلی که در این بین مطرح می شود رشید بودن طرفین برای ازدواج است در این مورد توضیح مختصری بفرمایید.

از نقطه نظر قانونی، رشید بودن برای صحت امور مالی اشخاص ضروری است. منظور از رشد داشتن عقل معاش است. لذا ممکن است فرد بالغ باشد ولی رشید نباشد. نکاح نیز در اصل قراردادی غیر مالی است که اموری نظیر مهریه یا نفقه که مالی هستند هم به تبع آن مطرح می شوند. در نتیجه برای فرد غیر رشید ولی او باید مهریه را تنفیذ کند اما اصل مسئله با رشد به معنای حقوقی ارتباطی ندارد. مگر اینکه با توجه به تعیین سن ۹ و ۱۵ برای بلوغ و تعیین سن ۱۳ و ۱۵ برای نکاح بگوییم سن رشد برای ازدواج از سوی قانونگذار این سن است. گاهی اوقات از اصطلاح رشد در ازدواج بدین معنا یاد می شود. اما در هر حال فرد بالغ ر خود باید برای ازدواج تصمیم بگیرد. درباره دختر رشیده باکره هم نظر خودش ملاک عمل است و ولی قهری صرفا عقد را تنفیذ می کند و حق اعمال زور و نظر شخصی را ندارد.

## پس در ازدواج فرد کمتر از ۱۳ سال، دادگاه رای به چه چیزی می دهد؟ مگر رای به رشید بودن او نیست؟

دادگاه قوه ی ناظر بر عملکرد ولی صغیر است که آیا مصلحت فرزند خود را رعایت کرده یا خیر و امروزه به نظر من جز در موارد بلوغ زودرس و رشد جسمانی زود هنگام کمتر ازدواجی در این سنین به مصلحت است.

نگرانی درباره ی ازدواج هایی است که این مراحل قانونی را طی نکرده باشند چون قوانین خوبی وجود دارد و دادستان هم به مسائل روز واقف است و اجازه نمی دهد مثلا یک دختر ۱۰ ساله با یک مرد ۴۰ ساله ازدواج کند. در حال حاضر طبق قانون، ازدواج هر دختر زیر ۱۳ سال اجازه دادگاه را لازم دارد و دادگاه باید اعلام کند که تشخیص ولی شخص در به مصلحت بودن نکاح برای وی تشخیص درستی است.

## واقعا اجازه نمی دهد؟!

ببینید وقتی از این ازدواج ها صحبت می شود بحث فقر فرهنگی، فقر اقتصادی، ناهنجاری های اجتماعی و ... برای یک خانواده مطرح است. حتی گاهی فروش دختر در ازای پول. ضمن آن که تفاوت های فرهنگی، تفاوت قومیت ها و ... هم باید در نظر گرفته شود. معمولا ازدواج هایی که ناشی از انواع مشکلات اجتماعی باشد مجوز دادگاه را اخذ نمی کنند و به صورت رسمی ثبت نمی شوند. فرض ما بر این است که دادستان با دقت وضعیت را بررسی کرده و به مصلحت طفل عمل می کند. در واقع وظیفه او همین است.

## ازدواج برخی تعهدات مالی را به دنبال دارد. فقها به این دلیل برای پسر صغیری که ازدواج می کند پس از بلوغ حق فسخ را قرار داده اند ولی درباره ی دختر سکوت کرده اند. آیا دختر نیز امکانی دارد؟

فرض بر این است که پدر مصلحت فرزند خود را در نظر دارد و ازدواج قبل از سن بلوغ هم شرایط خاص خود را دارد مثلا ممنوعیت مطلق رابطه جنسی. اما اگر هر کدام از طرفین پس از بلوغ رضایت نداشت تا جایی که من می دانم، بین دختر و پسر تفکیکی نیست چون به هر حال ضرر روحی و .. اهمیت بیشتری نسبت به ضرر مالی دارد پس وقتی برای پسر حق فسخ است برای دختر هم به طریق اولی این حق وجود دارد. البته این موضوع در بین فقها مخالفان و موافقانی دارد.

## خب اگر ازدواجی بدون اجازه دادگاه انجام شود، برای آن مجازات کیفری پیش بینی شده است؟

برای نقض ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی بله. ماده ی ۵۰ قانون حمایت از خانواده می گوید: « هرگاه مردی برخلاف مقررات ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی ازدواج کند، به حبس تعزیری درجه شش محکوم می شود. هرگاه ازدواج مذکور به واقعه منتهی به نقض عضو یا مرض دائم زن منجر گردد، زوج علاوه بر پرداخت دیه به حبس تعزیری درجه پنج و اگر به واقعه منتهی به فوت زن منجر شود، زوج علاوه بر پرداخت دیه به حبس تعزیری درجه چهار محکوم می شود.

تبصره- هرگاه ولی قهری، مادر، سرپرست قانونی یا مسئول نگهداری و مراقبت و تربیت زوجه در ارتکاب جرم موضوع این ماده تأثیر مستقیم داشته باشند به حبس تعزیری درجه شش محکوم می شوند. این حکم در مورد عاقد نیز مقرر است.»

این ضمانت اجرای کیفری است اما ضمانت اجرای حقوقی مطرح نشده یعنی تکلیف این ازدواج چیست؟ دادگاه ها می توانند طبق رویه ی قضایی رای به بطلان ازدواج دهند اما فعلا حقوق دانان می گویند ازدواج نافذ نیست و باید با حاصل شدن شرط اصلی یعنی اخذ اجازه از دادگاه تنفیذ شود.



**فکر نمی کنید بهتر باشد به جای قانون گذاری جدید این مواردی که قانون درباره ی آن ها ساکت است اصلاح شوند؟**

مسئله ی اصلی این است که قانون ناتوان از ایجاد یک انقلاب عظیم در جامعه است. اصلاحات آهسته رخ می دهد چون جامعه به آهستگی تحول می یابد. ما سیستم تامین اجتماعی مناسبی نداریم تا بفهمیم چند کودک مدرسه نمی روند، چند کودک تنبیه بدنی می شوند و ... تا با استفاده از اختیارات دادگاه ها سرپرست آنان را عوض کنیم، قبل از این که مسئله ازدواج آن ها مطرح شود. برای مسائل اجتماعی باید سیستم تامین اجتماعی درستی وجود داشته باشد.

هم اکنون هم در آمارها می گویند ازدواج در سنین ۱۰ تا ۱۴ سال ۶ درصد است که اگر این چنین باشد صرف قانونگذاری نمی تواند این آمار را کاهش دهد ممکن است بخش زیادی از این ازدواج ها ریشه در فرهنگ و عقاید مردم داشته باشد و با قانونگذاری نمی توان به جنگ عقیده رفت. اگر هم این فرهنگ مشکل زاست باید با کار فرهنگی تغییر یابد. ضمن اینکه آمار هم ابهامات زیادی ایجاد می کند سن ۱۰ تا ۱۴ سال دقیقاً دوره تحولات جسمی و روحی دختران است و باید دید تا چه اندازه تعبیر کودک همسری در مورد این ازدواج ها صحیح است. تا جایی که می دانم ازدواج های زیر ده سال کمتر از ۲۰۰ مورد در سال است که فکر می کنم برای این جمعیت کم که انگیزه ی آن ها از این ازدواج ها تا حد زیادی مشخص است یک سیستم تامین اجتماعی چاره ساز باشد. برای سایر ازدواج ها هم رعایت قانون فعلی به صورت دقیق می تواند تا حد زیادی مانع آسیب های ناشی از این ازدواج ها شود. در عین حال ممنوع نمودن ازدواج زیر سن بلوغ به طور کلی می تواند به تدریج بر کاهش ازدواج در این سنین موثر باشد.

**با تشکر از وقتی که در اختیار ما قرار دادید .**

قانون گذار ۱۰۰ سال پیش هم می دانست باید مطابق وضع جامعه پیش برود برای همین حتی در زمان طاغوت سعی بر این بود که در قوانین، شرعیات لحاظ شود.

ابتدا باید ریشه یابی شود که در صورت ایجاد محدودیت قانونی آیا آمار ازدواج کودکان کاهش می یابد یا خیر؟ در صورتی که چنین باشد وضع قانون می تواند موثر باشد اما اگر پاسخ منفی باشد که با توجه به ریشه های اصلی چنین ازدواج هایی این گونه به نظر می رسد در این صورت با تصویب قانون تنها به شمار کسانی که ازدواجشان ثبت نمی شود افزوده ایم و آنها را از مطالبه حقوق ناشی از ازدواج محروم کرده ایم.

**استاد شما می دانید در کنواسیون حقوق کودک به دارای سن کمتر از ۱۸ سال کودک اطلاق می شود. آیا این لایحه نیاز جامعه ی ماست یا هم رنگی با جامعه ی جهانی و جلب رضایت آن ها؟**

طبق گزارش های سایت مرکز پژوهش های مجلس این لایحه یعنی اصلاح ماده ۱۰۴۱ که به امضای ۶۷ نفر از نمایندگان رسیده است بنا به دلایلی نظیر ا محرومیت از تحصیل، مشکلات روحی، افزایش طلاق و ... مطرح شده است. در مباحث کارشناسان مجلس هم آمده که این بحث فرهنگی است یعنی نمایندگان مجلس درباره ی این مسائل واقف هستند و تخصصی بحث می کنند.

در کنواسیون حقوق کودک هم همان طور که اشاره کردم قانون قابل اعمال برای شخص ملاک است لذا کودک ایرانی تابع قانون ایران است. به زعم من اگر قانونگذار، ازدواج زیر سن مشخصی را صریحاً باطل اعلام نماید و شورای نگهبان نیز چنین مصوبه ای را تأیید کند می تواند به تدریج آثاری در جامعه ایجاد کند.

**اگر ازدواج ثبت نشود مثلاً شخصی که در ۱۰ سالگی ازدواج کرده و هم اکنون ۱۶ ساله است برای مطالبه ی حقوق خود چه باید بکند؟**

فردی که ازدواجش ثبت نشود برای مطالبه ی حقوق یا درخواست طلاق در هر سنی مشکل دارد و البته راه آن هم اثبات مسئله با سایر دلایل اثباتی نظیر شاهد و استشهاد محلی و ... است.

**این چنین شخصی با این شرایط سنی، خود صلاحیت مطالبه ی حقوق در محاکم قضایی را دارد؟**

چه دختر و چه پسر در مسئله ی ازدواج حتی در سن کمتر از ۱۸ سال هم می توانند اقدام به مطالبه ی حقوق خود نمایند و منع قانونی ندارد اما ممکن است به جهت عدم آشنایی با قوانین نتوانند حقوق خود را به نحو کامل ایفا نمایند

**اگر پسری قبل از سن بلوغ توسط ولی خویش با دختری ازدواج کند و این ازدواج ثبت نشود پدر پسر مقصر است یا پدر دختری یا پسر؟**

وقتی طرفین هر دو صغیر هستند و به عقد یکدیگر در می آیند اولیای آن دو مقصر هستند مگر اینکه زوج به زوجه آسیب برساند در این صورت فرد آسیب زنده در هر سنی باید از عهده ی جبران خسارت بر آید .

**استاد به نظر شما با متورم کردن قوانین می توان ازدواج صغیر را در کشور کم کرد؟**

ما هم اکنون قوانین خوبی داریم که به درستی اجرا نمی شوند.

ریشه ی این مشکل عدم وجود قانون نیست. در گذشته که قانون ۱۸ سال بود ازدواج شرعی می کردند و سال ها بعد برای ثبت آن اقدام می کردند.

